



نقش تفکرات نیچه در اشاعه شیطان پرستی / نمادها و نشانه‌های شیطان پرستی

رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن با بیان اینکه شروع شیطان پرستی نوعی موضع گیری در برابر نارسایی تعالیم کلیسا بود، گفت: شیطان پرستان معتقدند ...

رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن با بیان اینکه شروع شیطان پرستی نوعی موضع گیری در برابر نارسایی تعالیم کلیسا بود، گفت: شیطان پرستان معتقدند که صفات اخلاقی که در انسان وجود دارد مثل حرص، طمع، تکبر، خشم و غرور، شهوت و رذائل اخلاقی که جزء ذات انسان است و به این دلیل که جزء ذات انسان است، نباید آنها را از بین برد بلکه باید آنها را به فعلیت و کمال رساند.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین احمدعابدی از اساتید خارج فقه حوزه علمیه و رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن طی جلسات درس خویش پیرامون نقد و بررسی عرفانهای نوظهور، در مورد «شیطان پرستی» می گوید: شیطان پرستی تقریباً شاید هفتاد، هشتاد سال از عمرش می گذرد و در این چند دهه اخیر خیلی باب شده است. اصل شیطان پرستی سابقه قدیمی زیادی دارد، قبل از زرتشت را نمی دانم که اعتقاد به ثنویت بوده است یا نبوده، ولی زرتشتی ها وقتی قائل به یزدان و اهریمن شدند، چیزهایی را گفتند کار خدا است و چیزهایی کار اهریمن است، مثلاً خشکسالی، زلزله و مریضی کار شیطان است، و شیطان موجودی است که کارهای زشت و پلید را انجام می دهد، در قدیم یک عده ای پیدا شدند و گفتند اگر می خواهید دیگر خشکسالی نباشد باید شیطان را خوشحال کرد، یعنی خشکسالی کار شیطان است و برای برطرف نمودن خشکسالی شیطان را خوشحال کنیم.

فرق شیطان پرستی با ابلیس پرستی

وی می افزاید: بنابراین کارهای بد را که شیطان خوشش می آید را انجام دهند. این سابقه قدیم شیطان پرستی است و این تفکر در طول تاریخ بوده است، یک گروهی نیز مثلاً در غرب کشور خودمان نیز وجود دارند که به آنها نیز شیطان پرست می گویند، اینهایی که در غرب کشور شیطان پرست هستند، در واقع شیطان پرست نیستند، بلکه ابلیس پرست هستند، و آنکه الان در دنیا بعنوان یک عرفان مطرح می شود شیطان پرستی است و نه ابلیس پرستی، (غیر از چیزی که در غرب کشور وجود دارد که ابلیس پرستی است که به آن شیطان پرستی می گویند). ابلیس یک موجود خارجی است. همان موجودی که آدم را سجده نکرد، اما مسئله ای که الان در دنیا مطرح است شیطان پرستی است که لازم نیست که موجود خاص باشد، زنی که در خیابان، می خواهد بدحجابی را ترویج کند، ابلیس نیست، شیطان است.

رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن یادآور می شود: یک موجود داریم که آدم را سجده نکرده و الان نیز هست، که می شود ابلیس، ولی بعضی از این فیلم ها شیطان اند، بعضی از این کتابها، بعضی از عکسها، بعضی از زنها و بچه ها و... اینها می شود شیطان. موش یا الاغی که اذیت می کند را نیز شیطان می گویند. در میزان، علامه طباطبائی رضوان الله تعالی علیه بحثی دارد در خصوص شیطان و ابلیس، آنجا که می گوید شارح تورات، فیلون یهودی می گوید شش اشکال است درباره شیطان و ابلیس که اگر جن و انس جمع شوند هیچ کس نمی تواند جواب دهد، فخر رازی هم همین بحث را دارد، علامه طباطبائی می فرماید من یک نفری جواب می دهم و نیازی نیست که جن و انس همجمع بشوند، آنجا شش اشکال مطرح کرده اند ولی الان اشکالات به بیش از 116 اشکال رسیده است.

رابطه هیتلر با شیطان پرستی

وی با اشاره به مباحثی پیرامون شیطان و ابلیس در تورات تأکید می کند: در تورات بحث هایی است درباره شیطان و ابلیس که این شیطان پرستی الان، ناظر بر همین بحث ها است. نارسایی بعضی از مفاهیم مسیحیت و کلیسا و اینکه نتوانستند درست معنا کنند که شیطان و ابلیس یعنی چه و خدا برای چه اینها را آفریده است. از طرفی هم بعضی مسائل اجتماعی که با جنگهای جهانی پدید آمد، باعث شد که شیطان پرستی در دنیا شکل بگیرد. یک اخلاقی در اروپا و آمریکا است که به آن «اخلاق قدرت» می گویند، کتاب هم خیلی در این باره نوشته شده است، مثلاً یکی از بهترین کتاب ها "اخلاق القوه و قوه الاخلاق" است. هیتلر طرفدار چنین اخلاقی بود، هیتلر همیشه می گفت، قلدری و چاقو کشی و آدم کشی خوب است و ترحم و مظلوم نمایی و گریه کردن و صدقه دادن نیز کار بدی است، اینکه چرا به اینجا رسیده اند، بحث مفصلی است که باید حرفهای نیچه و .. را مطرح کرد.

حجت الاسلام والمسلمین عابدی می افزاید: همانطور که یک اخلاقی در دنیا درست شده است که می گوید، مسیحیت می گفت اگر کسی سیلی به صورتت زد، آنطرف را نیز بگیر، تا بزند، اگر کسی عبايت را دزدید، قبایت را نیز به او بده، در کتاب بینوایان، دزد، شب خانه کشیش خوابید، بعد شمعدان را دزدید و داخل جیبش گذاشت، وقتی می خواست برود، کشیش می دانست که در خانه اش دزدی کرده و وقتی می خواست برود، شمعدان دیگر را به دزد هدیه داد، البته اینجا در مقام تعریف و

تمجید است ولی این تفکر مسیحیت است. که می گوید اگر کسی عبايت را دزدید قبايت را نیز بده. شیطان پرستی در مقابل این تفکر است، می خواهد بگوید مسیحیت می گفت اگر کسی این طرف صورتت زد، آن طرف را نیز بگیر تا بزند، ما می گوئیم (شیطان پرست ها)، اگر کسی به صورتت نزده و می توانی به صورتش بزنی، شما به صورتش بزنی. یعنی شیطان پرستی در مقابل این اخلاق درست شد.

وی تصریح می کند: چطور در اخلاق می گفتند اشک ریختن و ترحم قلب خوب است، نیچه آمد گفت قساوت قلب خوب است و نه ترحم، در شیطان پرستی نیز می گوید: چون در مسیحیت می گویند اگر کسی اینطرف را زد، آنطرف صورتت را نیز بگیر تا بزند، ولی ما می گوئیم نه، اگر کسی نزده، شما بزنی. شیطان پرستی از اینجا، شاید حدود شصت، هفتاد سال باشد که این فکر شروع شد. این شیطان پرستی در مقابل فضائل و رذائل اخلاقی موضع گرفت، جای فضائل و رذائل را عوض کردند، در تورات و انجیل می گوید زنا بد است، می گویند خوب است، ادیان دیگر می گویند دزدی بد است، می گویند خیلی خوب است، یعنی هر چیزی که در دینی خوب است، بگوئیم بد و هرچیز که بد است بگوئیم خوب، این می شود شیطان پرستی. پس شیطان پرستی یعنی جابجایی فضائل و رذائل، حلال خوری را بگوئیم حرام خوری و حرام خوری را بگوئیم حلال خوری .

شروع شیطان پرستی نوعی موضع گیری در برابر نارسایی تعالیم کلیسا بود

رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن با بیان اینکه شروع شیطان پرستی نوعی موضع گیری در برابر نارسایی تعالیم کلیسا بود، تأکید می کند: اولین کارشان این بود که گفتند انسان را نعوذ بالله جای خدا بگذاریم، مثل اومانیسیم، هر چیزی که انسان را محدود کند بد است و هر چیزی که آزادی برای انسان بیاورد خوب است، اولین کار این بود که فحشا و بی بند و باری و مسائل شهوانی را ترویج دادند، تعداد زیادی بچه های حرامزاده متولد شدند، این بچه های حرام زاده که متولد شد، اتافک تاریکی را درست کردند که هیچ نوری در آن نباشد، بچه های حرامزاده را به داخل تاریکخانه ها می بردند و سر می بریدند، و می گفتند خون اینها هدیه و قربانی برای شیطان باشد. مدتی پلیس در اروپا و آمریکا شروع به برخورد با اینها کرد تا جلوی اینکار را بگیرد، و آنها نیز شروع به مقابله با پلیس کردند و سرانجام پلیس در این کشورها به این نتیجه رسید که اگر کسی این کار را با فرزند خودش انجام دهد و مخفیانه باشد، با او برخورد نکند و اگر کسی بچه مردم را سر می برد با او برخورد کند و این شروع بی بند و باری و بی عفتی ها بود که گفتند هیچ محدودیتی در مسائل جنسی وجود ندارد و هر چیزی هم که برای انسان محدودیت ایجاد کند خلاف خواسته شیطان است، چون شیطان موافق آزادی است و خدا و دین مخالف آزادی انسان هستند و انسان باید عبد باشد.

وی در بخشی دیگر از سخنان خود پیرامون «شیطان پرستی» تصریح می کند: شیطان پرستان معتقدند که صفات اخلاقی که در انسان وجود دارد مثل حرص، طمع، تکبر، خشم و غرور، شهوت و رذائل اخلاقی که جزء ذات انسان است و به این دلیل که جزء ذات انسان است، نباید آنها را از بین برد بلکه باید آنها را به فعلیت و کمال رساند. خود شیطان این صفات را دارد و به کمال رسانده است، و شیطان پرستان به همین جهت شیطان را خیلی قبول دارند چون رذائل اخلاقی در او به کمال رسیده و می گویند انسان نیز باید اینها را در خودش به کمال برساند. اگر شما یک کتاب «معراج السعاده» را بردارید و جای فضائل و رذائل را عوض کنید می شود شیطان پرستی. یعنی جابجایی خوبیهای که در معراج السعاده است با بدیهای آن می شود شیطان پرستی.

نقش تفکرات نیچه در اشاعه شیطان پرستی

حجت الاسلام والمسلمین عابدی به نقش تفکرات نیچه در اشاعه شیطان پرستی اشاره کرده و می گوید: نیچه بچه یتیمی بود که در آلمان، با مادرش بزرگ شد، مادرش همیشه این بچه را با خود به مجالس زنانه می برد (زنهای مسیحی)، و این بچه وقتی در این مجالس می رفت اخلاق زنانه پیدا کرد، حتی می گویند اوایل بچگی اش عادت کرده بود که دامن می پوشید، با اینکه مرد بود. و چون همیشه می شنوید در مجالس زنها این حرفها را می زنند که صبر داشته باشید و تحمل کنید، شوهرتان به شما بدی کرد هیچ چیز نگوئید، یعنی در مسیحیت می گفت به اینطرف صورتتان سیلی زدند آنطرف را نیز بگیرید تا بزند و نیچه وقتی بزرگ شد، گفت آنچه در دین (یعنی مسیحیت) می گوید اینها می شود اخلاق زنانه، و اخلاق مردانه برعکس است، یعنی اگر کسی اینطرف صورتت زد، آنطرف را نیز بگیرد تا بزند می شود اخلاق زنانه و اخلاق مردانه این است که اگر کسی نزده، شما سریع بزنی، این تفکر نیچه بود و هیتلر نیز شاگرد نیچه است یعنی این تفکر را داشت و این تفکری که نیچه درست کرد پایه شیطان پرستی شد.

وی می افزاید: یعنی اخلاق قدرت و اخلاق ظلم و کم کم، اومانیسیم یا انسان گرایی یا اینکه انسان را به جای خدا نشانند، از اصول شیطان پرستی گردید و علت این بود که شیطان پرستها یکی از اصلی ترین اصولشان این است که دیانت و لذت، ضدین هستند. یعنی اگر آدم دین دارد، لذتی ندارد و کسی که لذت دارد بی دین است و چون لذت برای ما اصل است باید با دین مخالفت کرد و براین اساس، اصول و قوانینی در شیطان پرستی درست کردند. پس شیطان پرستی می گوید دین و لذت مثل مشرق و مغرب اند و لذت می گوید اگر انسان تمایل به شهوت و گناه داشت اینها تمایل آدم است، و اگر سراغ دین بروید می گوید این کارها را نکنید و چون اومانیسیم و انسان گرایی برایشان اصل است مخالف با دین هستند.

این مدرس حوزه با بیان اینکه فقه ما مخالف با اومانیسم است، تأکید می‌کند: درحالی که در آمریکا با اینکه دین را قبول دارند و دین حضور جدی در زندگی مردم دارد ولی آزادی انسان یا اومانیسم برایشان اصل مهمتری است و این تفکری که در غرب وجود دارد باعث بیشتر شدن روز به روز شیطان پرستی می‌گردد، یعنی سرانجام این تفکرات حقوقی آمریکا این است که مثلاً اگر در آمریکا بخواهید مکاسب را درس بخوانید اولین جلسه درس مکاسب در حقوق آمریکا این است: هیچ عقدی لازم نیست، تمام عقد ها جایزند و فسخ در هر شرایطی و در هر معامله ای و برای هر کسی مجاز است، فارسی این حرف می‌شود اومانیسم و انسان گرایی و این تفکرات، شیطان پرستی را روز به روز زیاد می‌کند.

تأکید بر لذت عقلی در اسلام

وی در تبیین دیدگاه اسلام نسبت به لذت می‌گوید: دین ما فراوان آیات و روایاتی داریم درباره لذت، درباره فرح، انبساط، شادابی و اینطور چیزها در دین ما خیلی زیاد است، آیاتی که درباره زیبایی داریم، درباره هنر و اینکه همیشه می‌گویند خدای متعال کمال مطلق است، علم مطلق است و قدرت مطلق و حیات مطلق است اینها همان زیبایی شناسی در دین است، این چیزهایی که در قرآن درباره بهشت و جهنم آمده است، واقعاً کسی یک وقت سوره «واقع» را از جنبه زیبایی شناسی بخواند، یعنی کاری به بهشت و جهنم نداشته باشد، چقدر این آیات لذت آخرت را زیبا ترسیم می‌کند، می‌گوید چه چیزهایی در بهشت است و چه چیزهایی در جهنم است، ابوعلی سینا یک نمت «اشارات» را درباره بهجت و سعادت قرار داده است، یعنی بهجت، شادابی و نشاط. و لذتی که در اسلام می‌گویند.

حجت الاسلام والمسلمین عابدی تصریح می‌کند: اسلام می‌گویند لذت یک مرتبه حسی است یک مرتبه لذت خیالی است و یک مرتبه لذت عقلی است و اینها نیز لذت هستند. شیطان پرستها، لذت را فقط لذت حسی معنا می‌کنند، و آن هم لذت حسی موقت و مشکل اینجا پیش آمده است. ما مسلمانان در اخلاق لذت گرا هستیم و اینگونه نیست که شیطان پرستان خیال کنند طرفدار لذت هستند و ما مخالف لذت هستیم، یا طرفدار رنج هستیم، خیر ما نیز طرفدار لذت هستیم ولی فرقی در این است که یک کسی لذت را فقط در پنجاه سال عمر می‌داند و یک کسی لذت را برای ابدیت و همیشگی می‌داند. علی(ع) وقتی سر به سجده می‌گذارد، احساس لذت و آرامشی دارد که احدی این جور لذتی را ندارد و آیات شریفه قرآن که گاهی می‌فرماید ان المومنین الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم، می‌ترسند، و جایی دیگر می‌فرماید لا خوف علیهم و لا یحزنون، وجلت برای درجات پایین است، دومی برای درجات بالا.

وی با بیان اینکه در اسلام لذت گرایی هست ولی لذت را محدود معنا نمی‌کند، یادآور می‌شود: یک نفر که معتاد است، به دنبال لذت خودش است، اما لذتی که یک لحظه نعشه می‌شود و لذت می‌برد و بعد یک عمر غصه می‌خورد، آدم عاقل سراغ اینگونه لذت نمی‌رود، اگر کسی به دنبال لذتی برود که پنجاه سال لذت بیاورد بعد از پنجاه سال که مرد یک عمر در آخرت رنج ببرد، آدم عاقل سراغ این لذت نمی‌رود. آدم عاقل کسی است که به سراغ چیزی می‌رود، که می‌گوید چه در دنیا باشم و چه در آخرت، برای همیشه شادابی برایم بیاورد و چه چیزی شادابی می‌آورد؟ با خدا بودن. در واقع شیطان پرستی یک عکس العملی است نسبت به مسیحیت، چون مسیحیت دین رنج است، مسیحیت دین غم و قصه است، اما اسلام دین شادابی و نشاط و فرح و انبساط و اینگونه چیزها است.

نمادها و نشانه های شیطان پرستی / مهمترین روز سال از نظر شیطان پرستان

رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن در تشریح نمادها و نشانه های شیطان پرستی می‌گوید: 1- یکی از نشانه های شیطان پرستی عدد 666 است، مثلاً جایی که نوشته 110 یا 121، معمولاً نشاندهنده ی این است که صاحب مغازه صوفی و یا درویش است، عدد 66، عددو نماد توحید است که همان الله می‌شود و نماد شیطان پرستی 666 است. 2- یکی دیگر از نماد های شیطان پرستی 333 است. 3- یکی دیگر از نشانه هایشان این است که کسی خودش را به شکل بز دربیورد، یعنی یا شاخ برای خودش بگذارد یا قیافه ی بز برای خودش درست کند، یا مثلاً همین ریش بزی که بعضی ها می‌گذارند، و علتش این که بز را نماد قربانی برای شیطان می‌دانند. 4- یکی دیگر از نمادها، کسی است که دستش را اینطوری کند یعنی دستی که دو شاخ داشته باشد، از اینطور نشانه ها به عنوان نشانه های شیطان پرستی است.

وی تصریح می‌کند: در شیطان پرستی مهم ترین روز در ایام سال، سالروز تولد خود آدم(فرد) است، این جشن تولد، اصلش برای شیطان پرستی است که کسی آن روزی که متولد شده برایش مهمترین روز باشد، یک وقت کسی می‌گوید برای من مهمترین روز، روزی است که بچه ام بدنیا آمد، این شیطان پرستی نیست، اما اگر کسی روز تولدش مهمترین روز سال برایش باشد و خیلی برایش مهم باشد و گرمی بدارد. ... علتش این است که شیطان پرستها می‌خواهند خود انسان را به جای خدا قرار دهند و اینکه خدای هرکسی نعوذ بالله خودش است و به عبارت دیگر خدای درون انسان برایشان ملاک است، خدای درون انسان ، و روز تولد این خدا (نعوذ بالله) بهترین روز برایشان است، و به همین جهت این جشن تولد، که مرسوم شده، خیلی نباید پیام تبریک داد و یا روز تولد من فلان روز است و این حرفها نباید مهم باشد.

تفاوت مفهوم لذت در ادیان توحیدی و شیطان پرستی

حجت الاسلام والمسلمین عابدی به تفاوت مفهوم لذت در ادیان توحیدی و شیطان پرستی اشاره کرده و می‌گوید: اصل شیطان پرستی روی این فکر است که بگوید لذت هرکسی در این دنیا است و لذت انسان به بدنش است و نه به روحش. به عبارت دیگر تمامی ادیان به نوعی دنبال روح انسان هستند و هر دینی روح را کار دارد و شیطان پرستی می‌گوید آن چیزی که ادیان

درباره روح می گویند من درباره بدن می گویم، خوب بخورد، خوب زندگی کند، هیچ مانعی جلوی راه کسی نباشد، اینها را بیان می کنند. شیطان پرستی با کسی احساس گناه کند، احساس پشیمانی، شرمندگی، عذاب وجدان، احساس محدودیت و ضعف و این چیزها خیلی مخالف است و شیطان پرستان همیشه دم از این می زند که در هیچ شرایطی نباید ناراحت بشوید و هر کاری که در هر لحظه ای انجام دادید، همان کار، کار درستی بود، و لذت نیز فقط حسی است و نه لذت عقلی و خیالی.

وی یادآور می شود: دین ما خیلی طرفدار لذت است اما لذت عقلی و نه لذت مادی، و لذت عقلی را بر لذت مادی ترجیح می دهیم، اینکه می گوئیم صوت قرآن بر هر چیز ترجیح دارد، اینکه در روایات گفته می شود، پیغمبر خدا (ص) وقتی به بهشت می رود، سر به سجده می گذارد و پانصد سال آخرت سجده اش طول می کشد، یا مثلاً می گوئیم و رضوان من الله اکبر، اینها لذتهای عقلی است که در دین ما وجود دارد و بر هر لذتی ترجیح دارد، اینکه مثلاً گاهی گفته می شود خدای متعال از همه خوشحال تر است، خدا هرچه را که می خواهد که هست و هرچه را نمی خواهد، که نیست، خدا خودش، خودش را می شناسد و می داند که خودش خداست، دیگر چه کیف و خوشحالی از این بیشتر، که خودش را می شناسد و می داند خداست و می داند هرچه می خواهد هست و هرچه می خواهم نباشد نیست، این لذت خداست. چقدر درقرآن یستبشرون، یفرحون، لاقوف علیهم و لا هم یحزنون است، و در قرآن و روایات خیلی زیاد است.

عدم اختلاف ادیان در اعتقاد به خدا و یکتایی خداوند متعال

این مدرس حوزه علمیه با تأکید بر اینکه ادیان در اعتقاد به خدا و یکتایی خداوند متعال اختلاف ندارند؛ تصریح می کند: شیطان پرستها می گویند این اختلاف ادیان شاهد این است که نعوذ بالله خدایی وجود ندارد و خدای هرکسی خودش است، در حالی که ادیان با هم اختلاف دارند ولی اختلافاتشان جزئی است. یعنی این همه دینی که در دنیا وجود دارد، دینی که اسم دین رویش گذاشته باشند و اعتقاد به خدا نداشته باشد، لاقول ما سراغ ندارم، و اگر در هندوستان مثلاً 2000 دین وجود دارد، همگی اعتقاد به خدا دارند، دین بودا، که شک و تردید است که اعتقاد به خدا دارند یا ندارد، درستش این است که اعتقاد به خدا دارند ولی بعضی ها شک دارند که اعتقاد به خدا در بودایی ها هست یا نیست، و هرکس درباره ی بودایی کتاب می نویسد معمولاً این تذکر را می دهد که اگر بودایی ها اعتقاد به خدا نداشته باشند دیگر بودا دین نیست و مکتب است و باید بگوئید مکتب بودایی. پس هرچیزی که اسم دین رویش باشد، اعتقاد به خدا دارد، و ممکن است خدا را نپرستد ولی اعتقاد به خدا دارد، و اعتقاد به توحید نیز در همه شان است.

وی در ادامه یادآور می شود: زرتشتی ها که چند هزار سال دم از ثنویت و اهریمن و یزدان می زدند، کتابهایشان را بخوانید همه می گویند ما معتقد به یک خداییم، و دو خدا قبول ندارند، همین الان معبد زرتشتی ها در تهران آقای شهرزاد شهرزادیان، کتاب نوشته درباره ی اینکه زرتشتی ها موحد هستند، کتاب یشتا یا مثلاً کتاب گاما، و این کتابهای زرتشتی ها است که الان چاپ شده که زرتشتی ها اعتقاد به توحید دارند، ادیان دیگر نیز همینطور است. (ممکن است خدا را نپرستند، غیر خدا را بپرستند، یعنی شرک در عبادت دارند نه توحید) پس اینکه شیطان پرستان می گویند ادیان اختلاف باهم دارند و این اختلاف دلیلی بر این است که خدا وجود ندارد، جواب این است که ادیان در اعتقاد به خدا و در یکتایی و وحدت خدا هیچ اختلافی باهم ندارند.

حجت الاسلام عابدی در پایان می گوید: از کارهای دیگر شیطان پرستها این است که اگر که رذائل و فضائل را جابجا کنیم، یعنی هرچه بدی است را بگوئیم خوبی و هر چه خوبی است را بگوئیم بدی، در این صورت قدرت شما زیاد می شود، و اینها خیلی طرفدار قدرتنند، و در این زمانی که زندگی می کنیم، جوانها، دهشت و اضطراب و ترس و اینطور چیزها درونشان زیاد است و هر جوانی یک ترسی نسبت به آینده خودش دارد، راه برطرف کردن این ترس و دلهره نسبت به آینده در شیطان پرستی این است که بگوئید، گناهان را انجام بده (البته آنها نمی گویند گناه، یعنی چیزهایی که دیگران می گویند گناه است، خوب است و انجام بدهید، و چیزهایی که می گویند خوب است را انجام ندهید) چنین کسی قدرتش زیاد می شود، اینکه راه ازدیاد قدرت این است یا راه قدرت چیز دیگری است، بستگی دارد به اینکه ما قدرت را معنا کنیم و اینکه قدرت معنایش چیست و راه کسب قدرت چیست.

برگرفته از سایت ویکی فقه